

راز تدهین بیماران

ژوزف کراوس

سطح متوسط

راز تدهین بیماران

ژوزف کراوس

این کتاب ترجمه ای است از:

ANOINTING OF THE SICK

BY: JOSEPH E. KRAUSE

1962, PAULIST PRESS

فهرست

۵	بحران مرگ
۱۱	تدارک عهد عتیق برای راز تدهین بیماران
۱۴	عهد جدید، تحقق وعده های عهد عتیق
۲۱	تدارک راز تدهین بیماران
۲۹	خلاصهٔ مطلب
۳۰	سؤالاتی برای بحث گروهی

۲- فیض تقدیس کننده و نجات از مرگ

از جمله عطایایی که به آدم و حوا، اولین مخلوقات انسانی خدا داده شد، فیض تقدیس کننده و آزادی از مرگ بود. فیض تقدیس کننده به اولین والدین ما نیروی روحانی بخصوصی بخشید و آنها را قادر ساخت تا بوسیله شناخت و محبت خدا، در حیات وی سهیم شوند. از آنجا که خدا صرفاً روح است البته این مشارکت ناقص بود. مخلوقات که فقط چیزهای مادی را می بینند نمی توانند خدا را مستقیماً بشناسند و محبت نمایند. کاملیت مشارکت در حیات خدا پاداشی است که بعد از یک دوره امتحان که در طی آن اطاعت انسان آزموده شد به وی داده می شود. اگر این امتحان با موفقیت و سر بلندی به اتمام می رسید، اولین والدین ما به آسمان (بهشت) می رفتند جایی که روحشان برای درک و شناخت، وابسته به حواس پنجگانه بدن نیست. در آن ملاقات مستقیم و روبرو، بواسطه بینشی روحانی، طبیعت الهی را بطور مستقیم می شناختند و او را محبت می کردند.

عطیه دوم یعنی جاودانگی و نامیرایی به آدم و حوا اطمینان داد که نخواهند مرد یعنی جسم و روحشان هرگز از هم جدا نمی شوند و این یک نیروی ویژه جسم بود. اگر به خدا وفادار می بودند، مرگ بین زمین و جاودانگی مداخله نمی کرد.

الف) بحران مرگ

۱- نیکویی خلقت خدا

نویسنده سفر پیدایش اولین کتاب مقدس از شیوه ای زنده و بیاد ماندنی استفاده می کند تا خلقت جهان توسط خدا را به ما تعلیم دهد. او هفت روز هفته را به عنوان چارچوب عمل قدرت مطلق الهی برمی گزیند. او خدا را هفت بار توصیف می کند که بواسطه اراده مطلقش، دنیا را از هیچ خلق می کند. خدا هفت مرتبه بر آنچه ساخته می نگرد و می گوید: «نیکوست.»

استفاده مکرر از عدد هفت که برای سامیان باستان مقدس بود، خصلت مقدس و نیکوی اعمال خدا را بطور غریزی به ذهن هر کسی که روایت آفرینش را بخواند می آورد. بعلاوه عدد هفت بیانگر تأثیرات مثبت و سلامتی بخش سبت می باشد که هفتمین و آخرین روز و اوج کار خداست، روزی که برای پرستش و تجدید قوای جسمی و روحی انسانها تخصیص یافته بود. اینها اهدافی بودند که نویسنده مقدس سفر پیدایش به عنوان یک معلم دینی برای انجام رسالت خویش در ذهن داشت.

پیامدهای آن ابدی و دائمی خواهد بود. هیچگونه بازگشتی در کار نخواهد بود. هر کس که با جدایی روح از بدن مواجه می شود از این مسئله بزرگ و ناشناخته برخورد می لرزد.

برای از بین بردن و غلبه بر این ترس طبیعی، شخص باید نقش مرگ را در رابطه با نجات بنگرد که بدان وسیله پدرآسمانی چیزهای نیکوی انسان را از شرارتهايش جدا می کند. انسان بواسطه فیض مشارکتی ناقص و ناتمام در حیات الهی بر روی زمین دارد. مرگ در نقشه خدا، انتقال از این وضعیت به مشارکتی هر چه کاملتر در حیات الهی است که توسط مسیح داده می شود و انسان هر چه شایستگی بیشتری برای این زندگی داشته باشد آن را کاملتر بدست خواهد آورد. انسان هر چه بیشتر توجه خود را بر جنبه های ماوراءالطبیعی مرگ جسمانی متمرکز کند با ترس کمتری مواجه می شود. در چنین حالتی، مرگ وسیله ای برای رسیدن به کاملیت حیات روحانی خواهد بود.

۵- نجات مرگ را دگرگون می کند

هنوز هم مرگ وضعیتی بحرانی پیش می آورد که همه باید با آن مواجه شوند. حتی منجی ما نیز با این سرنوشت روبرو شد و طعم مرگ را چشید اما مرگ او یک مرگ نجات بخش بود. کل زندگی مسیح یک نوع قربانی شخصی بود که به اراده پدر صورت گرفت. تمام انسانها باید کیفر مرگ را متحمل شوند. مسیح در درد و رنجی که به هنگام مرگ کشید، پیروزی نجات بخشی برای تمام انسانها به ارمغان آورد. اطاعت

۳- سقوط: مرگ دوگانه

اولین والدین ما خدا را اطاعت نکردند بلکه برعکس مغرور شده و علیه خدا عصیان ورزیدند. آنها می خواستند مانند خدا شوند و خودشان تشخیص بدهند که چه چیزی خوب و چه چیزی بد است. آنها می دانستند که خدا بودن ناممکن اما حسود بودن نسبت به ویژگیهای بخصوص خدا میسر است. اساس وسوسه و سقوط چنین بود که اولین انسانها تابعیت از خالق را رد کردند.

مرگ کیفر موعود برای عصیان و نافرمانی بود. چنین کیفری بی درنگ اعمال شد. آن دو عطیه مخصوص از بین رفتند. از دست دادن فیض تقدیس کننده مرگ روحانی بود در حالیکه از دست دادن جاودانگی مستلزم مرگ جسمانی گردید.

۴- مرگ، کیفر همه انسانها

کیفر اولین انسان، میراث تمام انسانها گردید. زندگی انسانی، فیض تقدیس کننده و جاودانگی می بایست ابزار اولیه تمام انسانها در موقع تولد باشد اما فقط زندگی انسانی باقی ماند تا از اولیاء نژاد انسان به تمام انسانها برسد و میراث همه انسانها باشد.

پس تمام انسانها با مرگ دوگانه روبرو هستند. این مرگ دوگانه چیز وحشتناکی است و انسان را تا عمق وجودش می لرزاند. اتحاد جسم و روح بسیار عمیق و صمیمی است. جدایی این اجزاء تجربه تمام انسانها و

به ما داده است.

اگر روح تحت تأثیر فیض، موقعیت معنوی مناسبی داشته باشد لحظه مرگ ارزش ابدی خواهد داشت و مهمترین و آخرین قربانی مسیحی خواهد بود. آنانی که در بدن سری مسیح با وی یکی شده اند، در راز تدهین بیماران، قربانی نهایی خود را با مرگ منجی خویش پیوند می دهند.

والای او در مرگ، نافرمانی آدم و در واقع نافرمانی تمام فرزندان او را فدیة کرده و تاوان آن را داد.

نجات، عطایای مخصوص روحانی را که بوسیله آدم از بین رفته بود، از طریق راز تعمید بار دیگر به انسان برگرداند. بدین صورت حیات روحانی بار دیگر بدست می آید. تمام بحرانهای زندگی و تمام مراحل اصلی آن بوسیله یک راز تقدیس می یابد تا قدرت ماوراءالطبیعی انسان را تقویت کند و قدرت موفق و سودمندی می بخشد تا آن بحرانها و مراحل برای خدا تخصیص یابند. راز تثبیت روح القدس باعث بوجود آمدن بلوغ روحانی می گردد. که بدان وسیله ایمانداران می توانند نقش رسولی در کلیسا به عهده بگیرند. راز قربانی مقدس روح انسان را با پرستش و تغذیه روزانه زنده و تازه می کند. راز اعتراف زخمهای انسان در میدانهای جنگ را شفا می دهد. راز ازدواج و دستگذاری خادمین که قوم برگزیده خدا را متشکل و اداره می کنند در جهت مصالح نیکوی کلیسا بنیان نهاده شده اند.

آدم نه تنها حیات معنوی روح بلکه حیات جسم در اتحاد با روح را نیز از دست داد. نقشه خدا این بود که عطیه جاودانگی بوسیله پیروزی نجات بخش صلیب بار دیگر اعاده شود. اگر چه خدا فیض تقدیس کننده را در این جهان به ما می دهد اما تنها مانع بازگشت جاودانگی به انسان، تأخیر زمانی است. آن هنگام که زمان به آخر می رسد اتحاد ابدی جسم و روح بار دیگر برقرار می شود. با گذشت زمان عاقبت همه با مرگ روبرو می شوند. خداوند ما برای مواجهه با این بحران، راز تدهین بیماران را

است.

خدا با ابراهیم عهد بست. این عهد و پیمان مستلزم وفاداری و ایمان از طرف ابراهیم و فرزندان او بود، خدا نیز وعده داد که ملتی برگزیده بنا کند که به تنهایی مورد رحمت و محبت خدا قرار می‌گیرد. دو دلی و نوسان فرزندان ابراهیم بین وفاداری و نافرمانی در تاریخ مقدس بسیار مشهود و بارز است. آشکار شدن تدریجی شکوه و عظمت وعده خدا نیز در همین تاریخ روایت شده است.

قوم اسرائیل در زمان مقرر از نسل ابراهیم پدید آمد. نیکویی و وفاداری خدا نسبت به وعده هایش در برکت دادن قوم، درخروج از بندگی مصریان به اوج خود رسید. در زمینه و مفهوم این عمل که نمونه‌ای از کار خدا برای قومش بود، عهد بار دیگر بطور رسمی تجدید گردید، کاری که خود قوم از انجام آن ناتوان بودند. در این زمان بود که اسرائیلیان چنان کثیر شدند که می‌توانستند تشکیل دهنده یک قوم باشند.

اولین وعده از وعده‌های عهد، دیگر به تحقیق رسیده بود. ابراهیم از مرگ جسمانی رهایی یافته بود زیرا فرزندان کثیر او نام و یادش را نگاه می‌داشتند. این نوعی پیشگویی در باره پیروزی بود که حیات جسمانی را در آخر زمان به انسان بازمی‌گرداند. اما جنبه روحانی مرگ که از آدم به ارث رسیده بود از اهمیت بیشتری برخوردار بود. وعده دوم یعنی سرزمین کنعان به عنوان زندگی موعود روحانی باقی ماند. سرزمین کنعان را فقط با تفسیری روحانی می‌توان درک کرد زیرا بخاطر حاصلخیز نبودن

ب) تدارك عهد عتیق برای راز تدهین بیماران

۱- وعده خدا در مورد پیروزی نهایی

نویسنده سفر پیدایش درست بعد از روایت سقوط آدم و حوا که بحران مرگ را بر نژاد بشر تحمیل کرد، از محبت دیگر خدا نسبت به انسان سخن می‌گوید. نیکویی خلقت اول بوسیله آدم ضایع شده بود و پدر آسمانی بی‌درنگ وعده خلقت نوینی را به انسان داد. اگر چه این موضوع حقیقت دارد که خدا اراده کرد تا انسان قرن‌ها به دنبال کار خودش باشد و پیامدهای نافرمانی غرورآمیز خود را تجربه کند اما در سرتاسر آن سالهای طولانی، امید مصاحبت نوین با خدا وجود داشت. مبارزه بین نیکویی و شرارت که به پیروزی نهایی نیکویی می‌انجامید وعده داده شده بود و همین وعده، اساس امید انسان بود: «عداوت در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم، او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید» (پیدایش ۳: ۱۵).

۲- وفاداری خدا به وعده اش

بقیه کتاب مقدس چه عهد عتیق و چه عهد جدید، حاوی تاریخ مداخله قطعی پدر در سرگذشت و تاریخ انسانها به منظور بازگرداندن نجات

سلطنت اوست که از آنجا محبت خدا را به همه انسانها اعلام می کند. برای آن مسح شده مرگ می بایست پیروزی بر مرگ باشد.

ج) عهد جدید، تحقق وعده های عهد عتیق

۱- موقعیت جدید نجات یافتگان

عیسای مسیح که هم انسان و هم خدا بود قربانی کامل انسان را به خدا تقدیم کرد. او با اطاعت بی چون و چرای خود که به مرگ انجامید این قربانی را از طرف برادران خویش تقدیم نمود. بخاطر اینکه همیشه شخص دوم تثلیث اقدس بود که از طریق طبیعت انسانی مسیح عمل می کرد، جلجتا و رستاخیز ارزش بی نهایتی داشت و براستی انسان را نجات داد. نژاد بشری بار دیگر به موقعیت مصاحبت و دوستی با خدا ارتقا یافت.

بین موقعیت نجات در مسیح و نجات قبل از سقوط آدم تفاوتی وجود دارد قبل از سقوط، کودکان با فیض تقدیس کننده و عطیه زندگی ابدی متولد می شدند. سپس هر کدام می بایست اطاعت شخصی خود را بیازمایند. در موقعیت نجات نوین، فیض بصورت ارثی داده نمی شود بلکه بواسطه عضویت در کلیسایی که مسیح بنیان نهاد و از طریق کاربرد رازهای کلیسا. اتحاد دائمی جسم و روح تا پایان زمان بوقوع نخواهد

زمین، محصول چندانی بدست نمی آمد. همین سرزمین که اسرائیلیان بر آن قدم گذاشتند سمبل سرزمین جاودانی موعودی بود که در صورت وفاداری و ایمان به خدا، روزی برای ورود به آن دعوت می شدند.

۳- پیروزی ماشیح برگناه و مرگ

همچنانکه تاریخ اسرائیل به پیش می رفت مراحل تدارک و آماده سازی کار نجات روشنتر و روشن تر می شد. در اینجا بوضوح می بینیم که برکت قوم اسرائیل به این منظور بود که به تمام ملت ها گسترش یابد. نقش ملت اسرائیل در بازگرداندن انسان به مصاحبت و دوستی با خدا خصوصی تر شد و آن هنگامی بود که قبیله یهودا و سرانجام یک پادشاه از خانواده داود متمایز و برجسته تر گردید. پادشاه که ماشیح نامیده می شد می بایست سلطنتی تأسیس کند که نسلی نوین در نظم جسمانی و هماهنگی روحانی در آن وجود داشته باشد. او همچنین به عنوان خادم رنج دیده خدا ظاهر گشت که پیروزی را با مرگ پیوند می داد.

عهد عتیق مسیح، ماشیح خدا را «آن مسح شده» می نامد. سه طبقه از رهبران اسرائیل در هنگام پذیرش وظایف و آغاز مأموریتشان مسح می شدند: کاهنان، پادشاهان و انبیاء. طبق عهد عتیق آن مسح شده می بایست هر سه مسح را بر خود داشته باشد. یعنی هم کاهن، هم پادشاه و هم نبی باشد. در عهد جدید وقتی که مسیح خود را بر قربانگاه صلیب قربانی کرد این امر به تحقق و انجام رسید. صلیب مسیح همان تخت

۴-راز تدهین بیماران

خداوند ما می‌گفت که آمده تا انسانها را نجات دهد. این تفکر یونانی بود که انسان را به جسم و روح تقسیم می‌کرد. این دو بخشی بودن در اندیشه سامی مطرح نبود. از این رو «نجات انسانها» در سخنان مسیح به زبان آرامی یعنی هم شفای جسم و هم شفای روح. گذشته از اینها مرگ و بیماری منتهی به مرگ به عنوان یکی از پیامدهای گناه اولیه دچار انسان می‌شود. در واقع این دو نشانه‌هایی جسمانی از ناهماهنگی و اختلال روحی انسانها با خدا بود. عهد عتیق بر این باور بود که بیماری مکافات و پاداش گناه شخصی است و در عین حال وسیله‌ای برای تهذیب و آزمودن قابلیت‌های انسانی می‌باشد تا با وفاداری و ایمان خدا را بپرستند. بدست آوردن دوباره مصاحبت و دوستی با خدا هم به معنی نجات جسمانی و هم نجات روحانی است.

رسالت اجتماعی مسیح بدون شک در جهت شفای جسمانی و بخشش عطایای نجات و فیض بود. تعداد بی‌شماری از معجزات این موضوع را بخوبی ثابت می‌کنند. اینکه مسیح قصد داشت رسالت شفا بخش خود را دائمی کند از مأموریت و نیروهایی که به شاگردانش بخشید کاملاً روشن است. «و در هر شهری که رفتید و شما را پذیرفتند از آنچه پیش شما گذاردند بخورید و مریضان آنجا را شفا دهید و بدیشان گوئید ملکوت خدا به شما نزدیک شده است» (لوقا ۱۰: ۸-۹؛ ر. ک مرقس ۳: ۱۵؛ ۱۶: ۱۷-۱۸).

پیوست.

۲-بازگشت حیات از طریق کلیسا

با عضویت در کلیسا انسان دوباره به این موقعیت ممتاز می‌رسد که یکی از فرزندان و قوم برگزیده خدا شود. ملکوت مسیح بر روی زمین از انسانها تشکیل شده است. این ملکوت بازگشت حیات جسمانی را که بوسیله بدن جلال یافته درآسمان کامل خواهد شد به ما می‌دهد. بنابراین کلیسا قبل از هر چیز حیات روحانی را به انسانها برمی‌گرداند که اگر چه اکنون ناقص است اما در آینده اگر شایستگی آن را داشته باشیم کامل خواهد شد.

۳-رازهای زندگانی بخش

رازهای مقدسی که منجی ما بنیان نهاد تکامل و رشد روحانی و حیات دائمی به کلیسا می‌بخشد. کلیسا که بواسطه رازها تأسیس شد بوسیله یک نوع رابطه متقابل آنها را اجرا می‌کند و بدین طریق خود را جاودانی می‌سازد. هر هفت راز کلیسا در جهت حیات روحانی دریافت کنندگان می‌باشد و آنها را برای ستایش و جلال خدا طبق نقشه خدا بنا می‌کند.

یکی از این هفت راز، راز تدهین بیماران است که نه تنها به منظور بازگرداندن حیات روحانی بلکه به جهت حیات جسمانی نیز هست که تحت شرایط مشخصی اجرا می‌شود.

مستلزم دریافت راز تدهین بیماران بود بکار می‌رفت. این راز به عنوان وسیله نجات بیمار از مرگ مورد توجه قرار می‌گرفت و حتی برای بیماریهای جزئی نیز اجرا می‌شد. راز تدهین بیماران همچون وسیله بهبود جسمانی بکار می‌رفت. و بر ثمره شفا بخش پیروزی بر کار شیطان و شرارت در انسان تأکید می‌شد.

اولین مسیحیان که از یهودیت به مسیحیت گرویده بودند جنبه‌های جسمانی و روحانی طبیعت انسان را از هم جدا نمی‌دانستند. در نتیجه به شفا در ارتباط با کل انسان می‌اندیشیدند. از قرن هجدهم به بعد اغلب تمایل داشتند که بیشتر بر جنبه روحانی تأکید شود تا جنبه جسمانی و شرایط بسیار محدود کننده‌ای برای دریافت کننده راز بوجود آمد. نجات از مرگ این گونه تفسیر می‌شد که بیماری، دریافت کننده را در خطر مرگ قرار داده است.

این متن در ادامه اضافه می‌کند که خادم راز جزو گروهی است که در کلیسا مشایخ یا کشیشان نامیده می‌شوند. آنها افراد مسنی بودند که اسقف را در اداره امور جامعه کلیسایی کمک می‌کردند. آنها بودند که عطیه شفا داشتند و از این رو اجرای راز را به همراهی اسقف به عهده داشتند. مسیح به شاگردانش گفته بود «هرگاه دستها بر مریضان گذارند شفا خواهند یافت» (مرقس ۱۶:۱۸).

آنگونه که یعقوب قدیس شرح می‌دهد این مراسم شامل دعا و تدهین به روغن در نام خداوند است. مسیح قبلاً اشاره کرده بود که دعای ایمان شرط لازم معجزه است (متی ۱۶:۱۷-۲۰). او خود نیز همیشه از کسی

خداوند ما در اناجیل گاهگاهی به وسایلی اشاره می‌کند که بدانوسیله رسولان، رسالت نجات بخش او را ادامه خواهند داد. پیامدهای این موضوع بسیار موثر می‌باشد و مفهوم الهیاتی تدهین بیماران را بیان می‌کند. رساله یعقوب قدیس ۵:۱۳-۱۵ نمونه بسیار خوبی در این باره است.

۵-متنی از رساله یعقوب قدیس

یعقوب قدیس رسولی بود که او را «کوچک» می‌نامیدند تا او را از یعقوب، رسول دیگر عیسی باز شناسند. او همان است که به عنوان اولین اسقف اورشلیم تعیین گردید. رساله او زندگی بر اساس حکمت عملی در محبت خدا و همسایه را مورد تأکید قرار می‌دهد. متن زیر در زمینه‌ای از تذکر و راهنمایی کلی در باره دعا گنجانده شده است.

«هرگاه کسی از شما بیمار باشد کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند و دعای ایمان مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید و اگر گناه کرده باشد از او آمرزیده خواهد شد.»

این متن را می‌توان با ارتباط دادن سخنان مسیح به آن، جمله به جمله به نحو احسن تفسیر نمود.

طبق نوشته یعقوب قدیس، در تعالیم جامعه مسیحیان اولیه کسی که آیین‌های مذهبی را دریافت می‌کند یک شخص مریض است. قبل از قرن هجدهم تفسیر بسیار گسترده‌ای برای تعیین بیماری و مرضی که

درونی و هم بیرونی مشرف به موت هستند اما تدهین به روغن فقط در بیماریهای جدی درونی داده می شود. این کار باعث سوق دادن راز تدهین بیماران به سوی بهبودی و سلامت جسمانی می گردد. از طرف دیگر رازهای کلیسا ابتدائاً به جهت بخشش فیض بنیان نهاده شدند. اصل و اساس این راز، مجموعه ای از تدهین، فقط بیانگر تأثیرات روحانی است. تدهین جسمی باعث و موجد بهبود روحانی می گردد، تقریباً به همان شیوه ای که غسل جسمانی در راز تعمید، مرگ روحانی نسبت به گناه را ایجاد می کند و آن را تعریف می نماید و انسان را به تازگی حیات با مسیح سوق می دهد. به علاوه تجربه نشان داده است که شفای جسمانی تأثیر فرعی و دوم این راز است. وقتی که سلامتی و بهبود حاصل می شود این از نیکویی خداست تا شخص بتواند زندگی روحانی خود را تقویت کند یا رسالت خویش در زندگی را کامل نماید. در بهترین حالت، چنین بهبودی و سلامتی موقتی است زیرا زندگی بر روی زمین نیز موقتی است.

که برایش معجزه می کرد طلب ایمان داشت. بنابراین در تدهین بیماران نیز ایمان باید وجود داشته باشد تا برای شخص بیمار مؤثر واقع شود. تدهین به روغن در رابطه با دعای ایمان از قبل پیشگویی شده بود. مسیح در طی رسالتش بر روی زمین این قدرت را به شاگردان داد که بوسیله تدهین، بیماران را شفا دهند. «پس روانه شده موعظه کردند که توبه کنند و بسیار دیوها را بیرون کردند و مریضان کثیر را روغن مالیده شفا دادند» (مرقس ۶: ۱۲-۱۳). هر جا که تأثیری روحانی یا جسمانی ایجاد می شد شاگردان و رسولان بروشنی درک می کردند که این کار بواسطه قدرت خدا انجام شده و از این رو همیشه نام عیسی را جلال می دادند (لوقا ۹: ۳۸، ۱۶: ۱۷، یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴، ۱۶: ۲۳-۲۶).

در انتها، یعقوب قدیس دو تأثیر عمده تدهین بیماران را ذکر می کند: بهبود و شفای جسمانی و روحانی. در اینجا واژه یونانی بکار رفته عموماً به معنی نجات روحانی است اما در زمینه این متن بدون شک به سلامت جسمانی نیز اشاره می کند و البته عمل الهی نیز همیشه در کار می باشد.

راز تدهین بیماران به منظور شفای انسان است و بنابراین بایستی تأثیرات جسمانی را همانند تأثیرات روحانی از آن انتظار داشت Holy Viaticum (عشای مقدس ربانی که به افراد مشرف به موت داده می شود) مخصوصاً به جهت قدرت روحانی در هنگام مرگ است. جالب است بدانید که تعلیم کلیسا این است که عشای ربانی [Holy Viaticum] برای کسانی اجرا می شود که هم از ناراحتیهای

مداوای زخمها، برای روشنایی و برای دستگذاری رهبران سیاسی و مذهبی بکار می‌رفت. کلماتی که در هنگام تدهین بیماران بکار می‌رود بر شفای روحانی تأکید می‌کند مراسم و تشریفاتی که بعد از تدهین انجام می‌شود بر بهبود جسمی تأکید می‌کند. به علت اینکه راز کارایی خود را از قدرت الهی می‌گیرد، هدف از عمل تدهین، از کلمات و بیاناتی تشخیص داده می‌شود که بوسیله آن ادا می‌شود. به این دلیل مراسم تدهین بیماران بیانگر این است که بهبود روحی و جسمی مد نظر می‌باشد.

کلیسا در حفظ تفکر مسیح و تفسیر آن، تأثیر روحانی را هدف اولیه می‌داند. بر اساس رساله یعقوب قدیس، دریافت کننده راز شخص مریضی است که مشرف به موت می‌باشد. عشای ربانی که به چنین شخصی داده می‌شود برای کسانی که شدیداً مشرف به موت هستند چه مریض باشند و چه نباشند یک راز است. کلیسای مقدس مادر همچنین دعاهای بخصوص شفاعت و استعاذه دارد که برای کسانی که پایشان لب‌گور است یا از دردهای مرگ رنج می‌کشند خوانده می‌شود.

تبرک سالانه روغن زیتون که در تدهین بیماران بکار می‌رود در صبح پنج شنبه مقدس انجام می‌شود. تقریباً در انتهای نمازنامه عشاء ظرف روغنی را که به کلیساهای محلی یک اسقف نشین داده می‌شود به نزد اسقف می‌آورند. در گذشته این کار زمان تقدیم هدایای ایمانداران به فقرا انجام می‌شد و برای حمایت از روحانیونی که برکت می‌یافتند استفاده می‌گردید. در مراسم رسمی و تشریفاتی، شیطان را نهیب

د) تدارك راز تدهین بیماران

۱- نشان ظاهری

در روزگار عهد عتیق، لعنت یا برکت را بسیار موثر می‌دانستند مثلاً برکت یعقوب توسط اسحاق و برکت اسرائیلیان توسط بلعام پیشگو. در نور چنین تفکری، برای مسیح بسیار مناسب و بجا بود که نشان ظاهری برکت را همچون وسیله ای برای رساندن کلام نجات بخش خویش به انسانها بکار برد. نشان ظاهری عملی است که کلام، معنی راز گونه ای به آن می‌بخشد. در مورد راز تدهین بیماران، عمل همان تدهین است. معنی راز گونه آن بواسطه کلام برکت مشخص می‌شود: «خداوند بواسطه این تدهین مقدس و رحمت و محبت خویش تمام گناهانی را که بوسیله چشم، گوش و زبانت... مرتکب شده ای ببخشد.»

روغن در روزگاران قدیم همانند غذا برای تجدید قوا و تازگی، برای

کرد و بنابراین می‌خواهد کسانی که روحاً با او همکار هستند چنین کنند. این اتحاد با مسیح به بیماری و مرگ مفهوم می‌بخشد. این اتحاد قربانی شخصی ما را با قربانی خداوند در عشای ربانی ارتباط می‌دهد. راز تدهین بیماران به رازهای دیگر نیز بستگی دارد. اشتغال و فعالیت در رسالت کلیسا اساس تأثیر راز تثبیت روح القدس است و آن را راز عمل کاتولیک می‌نامند. به همراه مسیح رنج کشیدن تا دستیابی به تقدس شخصی مثال خوبی است و تلاش برای اینکه دیگران نیز فیض بیابند رحمتی واقعاً روحانی است. تسلیم محض سرنوشت شدن می‌تواند تأثیرات کاملاً مثبت راز را از بین ببرد، تأثیراتی که مدنظر نظر خدا بود و کلیسا نیز در شفای بیماران بر آن اصرار دارد. راز اعتراف فقط زمانی معنی پیدا می‌کند که انسان برای گناه و اصلاح زندگی خود نگران و ناراحت باشد. انسان باید قربانی وار اراده خود را تغییر دهد و وفاداری و ایمان ارادی نسبت به خدا داشته باشد.

آخرین عمل محبت در جبران گناه و در آمادگی برای اتحاد جاودان، موقعیت و تمایل الزامی شخص برای دریافت آخرین مراسم است. آمادگی قبلی برای چنین روحیه‌ای، ثمره توبه مداوم و محکم است. برآستی چه خوب گفته شده است که تعمید الف (ابتدا) و تدهین بیماران یاء (آخر) حیات روحانی است.

می‌زنند که قدرت خود را از روغن کنار بکشند. این موضوع از داستان کتاب پیدایش نشأت می‌گیرد که تحت تأثیر شیطان در روگردانی از خدا در گناه اولیه باعث شد خلقت سقوط کند.

چیزهای مادی به این منظور ساخته شده که انسان آنها را در خدمت خدا بکار ببرد. انسان در عصیان مغرورانه خویش بجای اینکه خلقت را متوجه خدا کند متوجه خود کرد. برکتها وسایلی هستند که مسیح به پیروانش می‌دهد تا خلقت را دوباره بسوی پدر باز گردانند. روغن زیتون که اینک برای پرستش خدا معین شده به جهت قدرت و تدهین روحانی می‌باشد. از روح القدس خواسته می‌شود که به طرز بخصوصی در روغن ساکن شود به نحوی که کاربرد رازگونه آن در تدهین بیماران حافظ روح و جسم باشد، شفای روحانی ببخشد و آرامش جسمانی بدهد.

قدیمی ترین متنی که برای تبرک و تقدیس روغن بکار می‌رفت در کتاب «سنت رسولی» نوشته قدیس هیپولیتوس در نیمه اول قرن سوم یافت می‌شود. به نظر می‌رسد که ایمانداران اولیه روغن تدهین را راز می‌دانستند و هر کسی می‌توانست آن را در حالت اضطراری اجرا کند. قرنهای بعد اجرای این راز به کشیشان مختص و محدود گردید و البته کار بسیار شایسته و بجایی بود.

۲- ارتباط دادن رنجهای خود به مسیح

بیماری و مرگ نه تنها مستلزم روحی تسلیم بلکه اطاعت مثبت از اراده خدا است. منجی ما خود را تا به مرگ همچون یک قربانی تقدیم

آسانی از بین می برد. قدرت روحانی یکی دیگر از فیض های تدهین بیماران است. شاید این فرصتی برای بهبود جسمانی باشد. روح باید از طریق جسم عمل کند و تا آنجا که جسم ابزار مناسب و خوبی باشد همین کار را می کند.

همه انسانها گناهکار هستند. جرم گناه قابل عفو و مکافات موقتی احتمالاً باقی می ماند. این آثار گناه را می توان بوسیله محبت واقعاً توبه کار از میان برد. گناه همیشه تمایلی در روح بجای می گذارد که دوباره سقوط کند و کندتر بسوی فضایل حرکت نماید. مهمترین لحظه مرگ را نمی توان خیلی دقیق تجربه کرد. هر چه ایمان، امید، محبت و توبه کاملتر باشد، شخص بطور کاملتری آماده خواهد شد. آخرین مراسم به جهت این نوع پایان اجرا می شود.

در موقعی که شخص تدهین شده در موقعیت توبه از گناه مهلک می باشد اما به دلیل اینکه هوشیار نیست نمی تواند اعتراف کند، نیکویی ناگفته خدا چاره کار را مهیا می سازد.

فواید روحانی راز تدهین بیماران می تواند موقعیت روح شخص بیمار را تا نقطه آمادگی برای دخول فوری به بهشت کامل کند. در مورد اهمیت سودمندی این دستاوردها نمی توان اغراق کرد. یکی از وظایف جدی کسانی که از بیمار مراقبت می کنند این است که اگر دیدند بیمار مشرف به موت است و شبان کلیسا نیز از این اطلاع دارد آخرین مراسم را باید در زمان مناسب اجرا کرد.

شاید بهترین تمایل برای دریافت کامل فیض های ناشی از راز لازم و

۳- فیض ناشی از راز

به منظور تقویت وضع شخص بیمار در هنگامی که به یک بیماری خطرناک مبتلاست، راز تدهین بیماران بوسیله کلیسا اجرا می شود. خود دریافت این راز اعتراف زیبای ایمان است. نه تنها پیروی از دستورهای نجات بخش مسیح است بلکه دریافت کننده را قادر می سازد تا بطور روحانی داخل قربانی نجات بخش او گردد و خدا را تمجید نموده و بدان وسیله فیض و نعمت های لازم را بدست آورد. مسیح از طریق کشیش، نقش خود را به عنوان نجات دهنده انجام می دهد و تأثیر کاملاً تقدیس کننده در روح ایجاد می کند و این به شرطی است که دریافت کننده راز تمایل و قصد نیکو داشته باشد.

در تمام مدت بیماری، راز مؤثر باقی می ماند. فیض های بخصوصی که می بخشد فقط در خدمت این است که بر اهمیت دریافت آن تأکید کند. بیماری همیشه زمان تجربه های سنگین است. تن دادن به اراده خدا وظیفه آسانی نیست. سخن گفتن به طریق انسانی فقط می تواند عصیان را در پی داشته باشد. اما با کمک فیض، شخص می تواند خود را روحاً فروتن سازد و درد و بیماری خود را با صلیب مسیح یکی گرداند. چنین مداخله شایسته ای می تواند جانمایی را نجات دهد که شناخت آنها فقط در ابدیت میسر خواهد بود.

موقعی که مرگ به سراغ انسان می آید، روحیه اعتماد به نیکویی و رحمت خدا ضروری است. اعتماد، خستگی جسم ناتوان انسان را به

مقدس به دنبال تدهین در تعمید، تثبیت روح القدس و دستگذاری خادمین می‌آید. راز تدهین بیماران راز آخرین تدهین است.

۴- نگرانی و توجه کلیسا برای تمام انسانها

کلیسا رسالت خداوند و منجی ما را در تمام زمانها و مکانها تا انتهای دنیا ادامه می‌دهد. اجرای آخرین مراسم مذهبی یعنی راز تدهین بیماران، به شخص بیمار و شخص بستری این اجازه را می‌دهد که درآیین نیایشی مقدس جامعه مسیحیت شرکت کند. قربانی روزانه عشاى ربانی، رنج اعضاى کلیسا را با رنج بره خدا پیوند می‌دهد. بدین طریق بدن سرّی مسیح یعنی کلیسا در کاملیت قربانی وی مشارکت دارد.

اگر اراده خدا این نباشد که شخص بیمار را به صف مبارزان کلیسا بازگرداند، فاتحان و پیروزمندان کلیسا، ورود او را به گروه سرودهای آسمانی خوشامد می‌گویند که با سرود جاودانی قدوس، قدوس، قدوس خدا را پرستش می‌کنند. کلیسا در دعا برای شخص محتضر آخرین قربانی عضو را رسماً تقدیس می‌کند و برای ورود فوری وی به شادی ملاقات روبرو با خدا شفاعت می‌کند. ایمانداران در آسمان حیات روحانی کامل و متناسب با شایستگی شان خواهند یافت و منتظر اتحاد دوباره بدنهایشان در جلال ابدی خواهند شد.

ضروری باشد. تأخیر غیر ضروری ممکن است به این معنی باشد که شخص بیمار در واقع از آنچه اتفاق می‌افتد کاملاً آگاه نیست یا اینکه نیمه آگاه یا شاید حتی هوشیار نباشد. اگر در نظر است که نیروهای سلامتی بخش راز تدهین بیماران مؤثر واقع شوند، دریافت به موقع نیز الزامی است. شخص نباید تا آنجا صبر کند که فقط معجزه او را از مرگ نجات دهد. این گستاخی و جسارت خواهد بود.

وارد شدن به جلال ابدی هدف اولیه وجود انسان است. ستایش خدا با تمام روح که خدا از ما می‌خواهد وسیله نیل به این هدف است. خدمت و فادارانه به خدا به مفهوم نجات شخصی است و به غنای روحانی دیگران کمک می‌کند. زندگی باید تعلیم تقدیس و فداکاری برای جلال خدا باشد تا بوسیله راز تدهین به جلال واقعی برسیم. در پایان زمان، نظام رازها کارایی خود را از دست می‌دهد زیرا دیگر کسی باقی نمی‌ماند که تقدیس شود اما جلال دادن خدا بوسیله ایمانداران و مقدسین در سرودهای جاودان آسمانی ادامه خواهد داشت.

اگر اراده خدا اینست که به دریافت کننده راز فرصت بیشتری داده شود تا توبه کند یا در تقدس رشد نماید یا اگر رسالت او در کار کلیسا ناقص بماند، خدا سلامتی او را دوام می‌بخشد یا بهبودی را به وی باز می‌گرداند. مراسم اجرای راز از تثبیت فعالان و مبارزان کلیسا سخن می‌گوید و برای آنان دعا می‌کند. دعاهایی که برای شخص محتضر کرده می‌شود روح را به داوری آسمانی تسلیم می‌کند. قدرت حیاتی و زندگی بخش راز تدهین بیماران را نباید دست کم گرفت. تدهین با روغن

یا بوسیله آمادگی روحانی برای زندگی جاودان یا بهبود سلامت جسمانی حل نماید. این راز آخرین قربانی مسیحی در اتحاد با قربانی مسیح را تقدیس می‌کند یا فرصت بیشتری به شخص می‌دهد تا قربانی آخر او هر چه بیشتر کامل شود. راز تدهین بیماران در هماهنگی با رسالت منجی ما این است که کل انسان یعنی جسم و روح او را نجات دهد.

رساله یعقوب قدیس اساس الهیاتی آخرین تدهین طبق کتاب مقدس را خلاصه می‌کند. خادمین کلیسا فرستاده می‌شوند تا دعای ایمان را بخوانند و بیمار را به نام خداوند عیسی تدهین کنند. برکت این راز نجات روحانی و شفای جسمانی را حداقل در آخر زمان وعده می‌دهد.

نجات هنوز هم در میان ما انسانها در کار است. نجات انسان را قادر می‌سازد تا بوسیله کار برد رازهای هفتگانه خود را آزادانه با نجات دهنده و کلیسایش پیوند دهد. فقط و فقط این، بازگشت پری حیات روحانی انسان را تضمین می‌کند.

سوالاتی برای بحث گروهی

بحران مرگ

- ۱- کتاب پیدایش، خلقت نیکوی خدا را چگونه بیان می‌کند؟
- ۲- خدا قبل از سقوط آدم و حوا چه عطایایی بدیشان داد؟
- ۳- سقوط چه بود؟ نتایج و پیامدهای فوری آن چه چیزهایی بودند؟
- ۴- آیا سقوط آدم و حوا در فرزندان آنها تأثیری داشت؟

ه (خلاصه مطلب

در ابتدا که خدا جهان را آفرید نیکو بود. انسان در نافرمانی مغرورانه خود، شرارت را وارد دنیا کرد و کیفر کار خود یعنی مرگ روحانی و در نهایت مرگ جسمانی را دید. کیفر اولین والدین انسان میراث تمام فرزندانشان شد. در آماده سازی و تدارک عهدعتیق برای کار نجات بخش مسیح، برکت و بخشش تمام انسانها از طریق قوم اسرائیل پیشگویی و بر آن تأکید می‌شد. سلطنت ماشیح، مسیح خداوند، بدین صورت مکاشفه شده بود که موقعیت ممتازی که انسان در ابتدا با خدا داشت بار دیگر به انسان باز می‌گشت. آرامش جسمانی همانند آرامش روحانی و هماهنگی وعده داده شده بود.

پیروزی صلیب از طریق مرگ منجی ما بدست آمد. دوستی و مصاحبت با خدا که بدین صورت بهبود یافته بود از طریق رازهای هفتگانه کلیسا به انسانها داده می‌شود. ما می‌توانیم با کاربرد آنها دوباره همان انسانی بشویم که در نقشه اصلی خدا منظور شده بود. ارزش رازها در این است که می‌توانیم تمام حالات زندگی از تولد تا مرگ را به ستایش و جلال پدر آسمانی تخصیص بدهیم. با انجام چنین کاری همچنین می‌توانیم خود را تقدیس کنیم تا تولد و رشدی روحانی بیابیم و در عین حال وعده حیات جاودان نیز شامل ما شود. در پایان زمان جسم و روح یکی خواهند شد و هر دو جلال خواهند یافت.

آخرین راز از رازهای هفتگانه به این منظور است که بحران مرگ را

تدارک راز تدهین بیماران

- ۱- «نشان ظاهری» در راز تدهین بیماران چیست؟ تبرک و تقدیس روغن چه موقع صورت می گیرد؟
- ۲- روحیه دریافت کننده این راز چگونه باید باشد؟
- ۳- آیا بوسیله دعا و استغاثه می توانیم روح شخص بیمار را نجات دهیم؟
- ۴- آیا در حالتی که مشرف به موت هستیم می توانیم این راز را دریافت کنیم؟ اهمیت بخصوص این راز در چیست؟
- ۵- تاثیر تدهین بیماران بر گناهان کوچک و کیفرهای پیامد آن چیست؟

* * *
* *
*

- ۵- نجات چگونه زندگی دوگانه - روحانی و جسمانی - را که بوسیله آدم از بین رفته بود به انسان باز می گرداند؟

تدارک عهد عتیق

- ۱- بعد از سقوط آیا انسان امیدی داشت که مجدداً با خدا دوستی و مصاحبت داشته باشد؟
- ۲- آیا اطلاعاتی درباره مداخله فعال خدا در وقایع انسان قبل از آمدن مسیح داریم؟
- ۳- خدا به ابراهیم چه وعده ای داد؟
- ۴- آیا وعده خدا به ابراهیم به تحقق پیوست؟
- ۵- عهد عتیق درباره مسیح موعود چه می گوید؟

عهد جدید تحقق وعده های عهد عتیق

- ۱- آیا موقعیت نجات در مسیح همانند نجات قبل از سقوط است؟
- ۲- نقش رازهای کلیسا در کار نجات چیست؟
- ۳- «نجات» در سخنان مسیح به زبان آرامی چه مفهومی دارد؟
- ۴- رساله یعقوب قدیس در باره خادم و مراسم تدهین بیماران چه می گوید؟
- ۵- تاثیرات عمده این راز را نام ببرید.